وشادمانی چه نشح خواهد یافت رباعی دور از در تو کی بنشد
سلطان است هر عشق که میکند برو تاوان است
آنجا که گدایان درت سود برند سرمایه همه خسران است خسروانی
وقال قدس سره علی نفس فلیبک من ضاع عمره ولیس له فیها
نصیب ولا سهم یکی لکاء و یکی بالمد و بالقصر گریستن ضاع الشئ
ضیعة وضاعا ضایع شد چیزی هر دو از باب دوم السهم
النصیب والنصیب الحظ من الشئ وهو الیس له الی آخره اما حال
من فاعل احد الفعلین او عطف علی جمله ضاع میگوید بر خود
باید گریست وماتم خود را باید داشت آنرا که نقد
حیات و سرمایه اوقات ضایع گذاشت و آنرا وسیله
مربرستی و واسطه بخودی و هستی ساخت و تحصیل
وتکمیل بهره ازان نپرداخت رباعی سرمایه عمر بهره می خواهد
مرد نی هر خوردن عمر بود مایه درد هر کس که زمی بعمر خود
بهره نبرد کو حون بگری که عمر خود ضایع کرد مقصود از
آفرینش عالم وجود بنی آدم است مطلوب از بنی آدم معرفت و

ومحبت حق تقدس وتعظم که دولت ابدی بدان منوط
وسعادت سرمدی بران مربوط اعظم اسباب آن معرفت
ومحبت نقد حیات و سرمایه اوقات و ساعات است که
چون طالب این است آنرا بجا طلب بر وظایف طاعات وعبا
ومت بر مراسم عبادات مع التوجه التام واخلاص النیة
علی الدوام وتفریغ القلب بالکلیة عن الاغراض الدنیویة
بل عن جمیع التعلقات الکونیة مصروف گرداند سابقه
عنایت باستقبال او آید وسبیل هدایت بروی او
کشاید دل او مهبط انوار معرفت شود وجان او
مخزن اسرار محبت گردد وخلعتهای دولت ابدی
در وی پوشانند ونثارهای سعادت سرمدی بر وی افشانند
خاتمت احوال وی از غرامت مصون ماند وعاقبت
افعال واعمال وی از حسرت وندامت مأمون گردد
واگر عیاذا بالله بر خلاف این ناگاه ابلهی بلکه الکهی که دیده
بصیرتش بکحل هدایت مکحل نشده وظلمت جهالتش نور

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1